

هو العليم

تحليل روان شناختی

خودشکوفایی «

از دیدگاه هـرلانا و راجرز

دکتر محمد مهدی شریعت باقری

دکتر سعید عبدالملکی



نشر دانش

سرشناسه: شریعت باقری، محمدمهدی، ۱۳۴۹.

عنوان و نام پدیدآور: تحلیل روان‌شناختی «خودشکوفایی» از دیدگاه مولانا و راجرز/ محمدمهدی شریعت باقری، سعید عبدالملکی.

مشخصات نشر: تهران: دانژه، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.

شابک: ISBN: 978-600-5070-29-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: [۱۶۷]-۱۷۲.

موضوع: راجرز، کارل رانسوم، ۱۹۰۲-۱۹۸۷ م -- نظریه درباره ابراز وجود

مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق.

موضوع: مثنوی - ابراز وجود

شناخته شده: عبدالملکی، سعید، ۱۳۶۰.

بندی: سره، ۱۳۸۰ ت ۴ ش ۵۳۰/۱ PIR

رده: روان‌شناسی، بیوه، ۸۳/۳۱

شماره: ۱۲۸-۱۲۰

عنوان: تحلیل روان‌شناختی «خودشکوفایی» از دیدگاه مولانا و راجرز
مؤلف: دکتر محمدمهدی شریعت باقری، دکتر سعید عبدالملکی
صفحه آرا: حمیده حمز زیدی
مدیر تولید: داریوش سازمند
ناشر: دانژه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شریف
شمارگان: ۵۵۰ نسخه
قطع: رقعی
نوبت چاپ: اول- ۱۳۸۷/ سوم- ۱۳۹۵
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۰-۲۹-۳

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تهران: خیابان استاد مطهری - خیابان سلیمان خاطر (امیر اتابک) - کوچه اسلامی - شماره ۴/۲
کد پستی: ۱۵۷۸۶۳۵۸۱۱ صندوق پستی: ۴۱۴۶-۱۴۱۵۵ تلفن: ۸۸۸۴۶۱۴۸-۸۸۸۱۲۰۸۳ تلفکس: ۸۸۸۴۲۵۴۳

تلفن دفتر پخش: ۶۶۴۷۶۳۷۵ - ۶۶۴۶۲۰۶۱ فکس: ۶۶۴۷۶۳۸۹

۹.....	مقدمه
۱۷.....	۱ کیستی‌ها:
۱۹.....	الف - کیستی مولوی (زندگی و زمانه)
۲۱.....	شخصیت
۲۴.....	مولانا در مسیر شدن
۲۹.....	محبوب‌ها
۳۷.....	ب - کیستی راجرز (زندگی)
۴۰.....	عصیان علیه زمان ما
۴۱.....	خدایان
۴۴.....	پدیدارشناسی
۴۶.....	نظریه شخصیت
۴۶.....	ماهیت انسان
۴۷.....	تکامل خویشتن
۴۷.....	فرآیند ارزش‌گذاری ارگانیک
۴۸.....	شرایط ارزش
۴۸.....	توجه مثبت
۴۹.....	آسیب روانی
۵۰.....	منشور خودشکوفایی
۵۹.....	۲ مقایسه دو دیدگاه در باب نگرش به انسان
	الف - اشتراک دیدگاه مولانا و راجرز درباره
۷۳.....	فرآیند خودشکوفایی
۷۳.....	گرایش خودشکوفایی
۷۶.....	خودشکوفایی

۷۸.....	فرآیندی بودن خودشکوفایی
۸۴.....	تأثیر محیط بر خودشکوفایی
۸۷.....	گروه‌های رویارویی و خودشکوفایی
۹۴.....	ب - موانع خودشکوفایی از دیدگاه مولانا و راجرز
۹۴.....	تثبیت شدن در مراحل پایین تر رشد
۹۵.....	ناب مانعی در مسیر خودشکوفایی
۱۰۴.....	ماه روانی من واقعی و من ایده‌آل
۱۰۷.....	خودشکوفایی و حلقه‌های مفقوده
۱۰۹.....	خودبینی
۱۲۷.....	۳ تفاوت دیدگاه مولانا و راجرز از جنبه‌های مختلف
۱۲۷.....	الف - از جنبه‌ها بینو
۱۴۰.....	ب - از جنبه شناختی
۱۴۴.....	ج - از جنبه شمایکی
۱۴۶.....	د - دیدگاه مولانا و راجرز در مورد فرآیند خودشکوفایی
۱۴۶.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۵۵.....	روش‌شناسی مولوی و راجرز
۱۶۱.....	نظام‌شناختی مولوی و راجرز
۱۶۳.....	منابع
۱۷۱.....	پیوست‌ها
۱۷۳.....	واژه‌نما
۱۷۵.....	موضوع‌نما
۱۸۰.....	نام‌نما
۱۸۳.....	جای‌نما

مقدمه

در طول عصاره و قرون همواره انسان‌هایی اندیشمند و دردمند ظهور کرده‌اند که ناسه انسان را مهجور و جدا افتاده از وطن را سر داده‌اند و قرن‌ها بعد از خود نیز تاثیر کرده‌اند. گرچه از حیث شناسنامه‌ای و زادگاهی به سرزمین یا کشوری خاص تعلق داشته‌اند، لیکن گسترده‌ی نفوذشان فراتر از مکان خود بوده و جغرافیای وسیع‌تری را درنور دیده‌اند. این قبیل افراد که تاریخ مصرفی برایشان نمی‌توان قائل شد، قهرمان همه‌ی دوران‌ها هستند و بشریت برای همیشه به وجودشان افتخار خواهد کرد.

بی‌شک مولوی و راجرز دو تن از این افراد شاخص هستند که پیش‌تاز زمانه‌ی خود بوده‌اند. این دو، از این حیث که بی‌پیش‌دانی و بی‌تعصب خاص، دغدغه‌ها و بیم و امیدهای انسان را به گفتمان شده‌اند، نه شرقی هستند و نه غربی و از لحاظ دیگر که شرق و غرب را در هم آمیخته‌اند و موضعی جدید، بی‌طرف و انسان‌گرایانه در قبال انسان اتخاذ کرده‌اند، هم شرقی‌اند و هم غربی. گرچه این دو انسان‌شناس به لحاظ تاریخی حدود هفت قرن از یکدیگر فاصله دارند، اما جنبه‌هایی از همگرایی و اشتراک فکری و برخی از ویژگی‌های زیستی و روانی

مشترک آن‌ها را نمی‌توان نادیده انگاشت. هر دو در زمانه‌ای پدیدار شدند که با جنگ فراگیر بین‌الملل همراه بود. مولوی ویرانگری‌های مغولان و اوضاع بیمار مردم زمانه خود را شاهد بود و قرن خود را قرن وحشت و خطر توصیف کرد و راجرز اندکی پس از جنگ جهانی اول برای شرکت در کنفرانس مذهبی دانشجویان جهان، وارد چین شد تا راه‌حلی دینی برای تنش‌های بین‌المللی بیابد.

راجرز همچون مولانا و مولانا همچون راجرز در طول زندگی خود، فراز و نشیب‌های بی‌شماری را تجربه کرده‌اند. هر دو در سن نوجوانی مولوی در ۱۳ سالگی و راجرز در ۱۲ سالگی دست به یک هجرت تاریخی زدند و با جوامع بسیارهای زیادی برخورد و دیدار کردند. مولوی در مسیری که از بلخ تا بریه شامل می‌شد، طی مسیر کرد. تجربه‌ی اوضاع و احوال آشکار و نهان انواع - و اعم بشری از وی انسانی پخته و بینش‌مند ساخت. زمانه‌ی او تقریباً شبیه زمانه‌ی راجرز بود. روان‌پریشی جمعی، که بر اثر وحشیگری‌های چنگیز به وجود آمده بود، نگاهی دردمند و رازآلود به مولانا بخشیده بود و راجرز هم در قرن زندگی کرد که هیتلر به قلع و قمع ارزش‌های انسانی اقدام کرده بود. همین امر موجب شده بود تا فراتر از یک روان‌شناس حرف‌های و در قامت یک روشنفکر متعهد، در قبال تنش‌های بین‌المللی موضع‌گیری کند. به جهت این‌که می‌توان گفت به همان اندازه که بین شخصیت چنگیز و هیتلر در نوع اثر شباهت وجود دارد به همان اندازه و بیشتر باید مولوی و راجرز را دغدغه‌مند یک درد مشترک بدانیم.

ویژگی مشترک دیگری که مولانا و راجرز را به هم پیوند می‌زند، شورش آن‌ها علیه وضع موجود بود. راجرز علیه کیش پروتستان بنیادگرای والدین خود طغیان کرد و آزاد اندیشی را برگزید و مولانا پس

از دیدار با شمس، سنت‌گرایی را کنار گذاشت و به‌سان سایر عالمان و فقیهان زمان خود به انسان عرفی بودن رضایت نداد و همچون یک سنت‌شکن تمام عیار و دگراندیش به همه‌ی آنچه که همفکران و هم‌عصرانش به آن می‌بالیدند و از آن لذت می‌بردند، پشت پا زد و وارد یک دنیای عشقی عمیق شد و شماتت‌کنندگان و ملامتگران را این‌گونه پاسخ داد:

گفت ای ناصح خُش کن چند چند؟

پند کم ده، زانکه بس سخت‌ست بند

سخت‌تر شد بر من از بندِ تو

عشق را شناخت دانشمندِ تو

(۳۸۳۰-۳۸۳۱/۳)

علی‌رغم آنکه مولوی یک عارف و حکیم الهی شرقی بوده که از نظر جهان‌بینی و اعتقادات کاملاً با راجرز که یک روان‌شناس غربی بوده متفاوت می‌باشد اما طنین و آهنگ ابی که منحصر به فردی که در نوشتار هر یک از آن‌ها وجود دارد، آنان را از سایر همگنان خود متمایز می‌سازد. در عین حال به جهت نزدیکی دیدگاه راجرز به تفکر شرقی، ما این مقایسه و کار تطبیقی را آغازی بر یک انجام بزرگ در مورد خودشکوفایی و انسان کامل می‌دانیم.

در این راستا ضروری است که قبل از ورود به مبحث «رزد نظر، واژه‌های «خود» و «خودشکوفایی» از دیدگاه روان‌شناختی تعریف و توضیح داده شوند و سپس به شمه‌ای از زندگانی این دو شخصیت برجسته که در مسیر «شدن» چه راه‌هایی را پیمودند، اشاره کنیم تا خوانندگان به گستره فراخ‌تری از ویژگی‌ها و شخصیت این دو اندیشمند

نامی دسترسی پیدا کنند.

می‌دانیم که «خود» در زبان فارسی به معنای خویش و خویشستن است و در روان‌شناسی به‌طور اجمال خود عبارت است از جزئی از روان فرد که به صورت یک کل سازمان‌یافته و به عنوان عامل یا نیرویی درونی که عمل کنترل و هدایت اعمال او را در مقابل انگیزه‌ها، نیازها و مانند آنها بر عهده دارد.^۱

یز در تعریف «خود»^۲ گفته شده است^۳ یکی از وجوه غالب تجربه‌ی انسان، احساس جبری وجود خویش است، چیزی که فلاسفه به‌طور سنتی آن را مسئولیت، هویت شخصی یا خود نامیده‌اند. این اصطلاح در نظریات روان‌شناختی خصوصاً در زمینه‌های اجتماعی و روان‌شناسی رشد، مطالعه‌ی شخصیت و سیکوپاتولوژی، نسبتاً خوب معرفی شده است. جای تعجب نیست که گوناگون مورد استفاده از آن بسیار وسیع و نسبتاً غیر سیستماتیک است. معنی مورد نظر، غالباً در نتیجه این واقعیت که اصطلاح خود، ممکن است به گونه‌ای مورد استفاده قرار گیرد که با فرم‌های دستوری تداخل پنهانی ایجاد، مغشوش می‌گردد. برای شناخت این مسئله به اصطلاحات مرکزی که در پی خواهد آمد، توجه نمایید. ذیلاً شش کاربرد اولیه اصطلاح که به نظر می‌رسد مفهوم مورد نظر کسانی باشد که self را به کار می‌برند، ذکر می‌شود:

۱- خود به معنی عامل یا نیروی درونی کنترل‌کننده و هدایت‌کننده‌ی اعمال در مقابل انگیزه‌ها، ترس‌ها، نیازها و غیره. در اینجا خود یک

۱. فرهنگ بزرگ سخن، انوری، حسن، تهران، انتشارات سخن، سال ۱۳۸۱.

2. self

۳. فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی، پورافکاری، نصرت‌الله، انتشارات فرهنگ معاصر، جلد ۲، سال ۱۳۸۵، ص ۱۳۶۱.

4. Dictionary of Psychology, Arthur S. Reber, New York, U.S.A. 1985, P. 675.

وجود فرضی است، وجهی از روان که نقش معینی برای ایفا کردن دارد. این معنی در مفهوم self-creative آدلر، self-system سالیوان و نوشته‌های اولیه یونگ مشاهده می‌گردد.

۲- خود به عنوان شاهد درونی رویدادها. در اینجا خود، جزئی از روان تلقی می‌شود که عملی درون‌نگرانه دارد. این خود، تصور این است که می‌تواند خود به مفهوم شماره یک را مورد مشاهده و مذاقه قرار دهد. ویلیام جیمز یک قرن پیش، این دو خود را مثل me و I دانست. اولی به معنی خود ساخته شده (به مفهوم ۱) و دومی به معنی خود شناسنده (به مفهوم ۲).

۳- خود به معنی تمام تجربه‌ی شخصی، به معنی موجودی زنده. در اینجا اصطلاح خود به صورت فراگیر و نسبتاً خنثی به کار برده می‌شود و اصطلاحاتی مثل ایگو، خود، فرد، ارگانیزم و غیره معادله‌ای مقبول آن هستند.

۴- خود به معنی ترکیب، به معنی کل سازمان‌یافته‌ی شخصی، معنی در اینجا شبیه مورد ۳ است با این مفهوم اضافی که شخص بر وجه پیوسته‌ی آن تمرکز می‌یابد. کسانی که این اصطلاح را به معنی مزبور به کار می‌برند، غالباً آن را به صورت ساختار منطقی که بطور غیر مستقیم از طریق تجربه‌ی استمرار شخص، علی‌رغم تغییرات زمان استنباط می‌شود، مورد استفاده قرار می‌دهند. به این ترتیب، شخصیت معادل مقبولی برای این کاربرد است.

۵- خود به معنی هشیاری، آگاهی، ادراک خود، خود به معنی هویت، اصطلاح proprium گوردون آلپورت معادل مناسبی در این مورد است.

۶- خود به عنوان هدفی انتزاعی یا نقطه‌ی پایان بر یک بُعد شخص‌نگر.

این معنی خصوصاً در نوشته‌های بعدی یونگ، که در آن‌ها «خود»، آرکی تایپ غایی بین هشیاری و ناهشیاری تصور می‌شود، مدفون است و دستیابی به خود، نمایش رشد روح‌گرایی است. آبراهام مزلو نیز همین معنی را بیان کرده است، منتهی به شکل مماسی و در اصطلاح مرکب خودشکوفایی.

اما «خودشکوفایی» اصطلاحی است که در اصل به وسیله‌ی نظریه‌پرداز عضوی‌نگر، کورت گلدشتین، برای انگیزه‌ی واقعیت‌بخشی به تمام اهداف بالقوه‌ی خود شخص مورد استفاده قرار گرفت. در این دیدگاه این انگیزه، برترین یا به عبارت درست‌تر، تنها انگیزه‌ی واقعی شخص نامرده می‌شود و باقی انگیزه‌ها تظاهرات آن‌ها هستند. در نظریه‌ی شخص ابراهام مزلو، سطح نهایی رشد روان‌شناختی، که وقتی تمام نیازها و فرایندها آرده گردید و «شکوفایی» تمام استعدادهای بالقوه‌ی شخص عملی شد، به دست می‌آید و انسان «خودشکופا»^۱، مدل کلی شرایط انسانی به گونه‌ای که ماهیت اساسی انسان، تلاش در جهت خودشکوفایی است. انگیزه برای استفاده از حداکثر استعدادهای موجود.

در خاتمه‌ی این پیشگفتار، مؤلفان برخود می‌دانند که ابتدا از عارف و فرزانه گرانقدر، فاضل ارجمند، جناب آقاي استاد کریم زمانی که به تعبیر بزرگان «از عاکفان روضه‌ی جمال و طائفان کعبه جلال مولانا» بوده و سابقه‌ی ارادتی دیرین به آن عنقای قلعه معرفت داشته و شرح جامع ایشان بر مثنوی معنوی، «که نخبه‌ی اطلاعات موجود در شروح دیگر را در خود نهفته دارد» و گنج شایگانی است که با رنج فراوان و همنشینی استاد، طی سال‌های طولانی با حضرت مولانا، به رایگان به فارسی‌زبانان شرق و غرب عالم هدیت فرموده‌اند که ما در

1. self-actualization

2. self-actualizing

این کتاب از آن بهره‌های فراوان برده‌ایم، تشکر و سپاسگزاری نموده و از خداوند منان، آرزوی سلامت و دوام توفیقات ایشان را مسئلت که همچنان تشنگان وادی معرفت و حقیقت را از آب معنوی و زلال مثنوی هدایت سیراب نمایند.

همچنین شایسته است از استاد نمونه و فرهیخته‌ی جامعه دانشگاهی و علم فرهنگستان علوم کشور، جناب آقای دکتر حسن احدی و استاد اخلاق جناب آقای دکتر احمد برجعلی به جهت تشویق‌های مکرر در ارائه این اثر و نیز استاد فاضل و اندیشمند جناب آقای دکتر محمدجواد شریعت باقری که با مالدی، نسخه اولیه کتاب، راهنمایی‌های ارزشمندی را ارائه نمودند و بالاخره از استاد نمونه، معلم اخلاق و مولوی‌شناس وارسته (که طی سال‌هایتمادی در محضر ایشان با ارشادات قوی و فعلی و برگزاری جلسات مثنوی، هدایت و دستگیری ایشان، به کسب فیض تعلیمات حضرت مولانا اشتغال داریم) جناب آقای دکتر علی حسین سازمند (مدیر مسئول محترم نشر دائره) که همواره راهنمای ما بوده و موجبات چاپ این اثر را فراهم نمودند صمیمانه تشکر و قدردانی نماییم. بر آن امیدیم که کمبودها و نواقص موجود در این مجلد، با راهنمایی‌ها و تذکرات صاحبان تفکر و قلم، مولوی‌شناسان و راجرز دانان گرامی، اساتید ارجمند و همکاران گرامی دانشگاه، دانشجو، عزیز و دیگر خوانندگان فهیم، در چاپ‌های بعد، مرتفع گردد، لذا با کمال تواضع و اخلاص، درخواست می‌شود که نظرات، پیشنهادها و انتقادات خویش را به آدرس پست الکترونیکی نگارندگان ارسال فرمایید:

Mahdi_sh_fk@yahoo.com

S_Abdolmalaki@yahoo.com